

علم و عالم

پیش گفتار:

افغانستان در حال حاضر در عمیق ترین شرایط سخت دشوار، ناهمگون و نامیمونی قرار دارد که برچیدن همه ی این گرفتاریهای غم انگیز بالاتر از تصور است و از جانب دیگر نظام حاضر و شرکای زن ستیز و تمدن ستیز مافیایی آن هیچگونه توجه در تأمین امنیت واقعی، عدالت اجتماعی، انسانی و حقوقی ندارند، ولی در مقابل به انبار نمودن زر و زیور، پول، جایداد و چور و چپاول فعال تر از هر حکومت و دولتی هستند.



تعریف علم: علم نوعی استدلال منطقی برای توصیف، تفسیر، توضیح، تبیین و شناخت پدیده ها و واقعیت های موجود در عالم خلقت است که همراه با مشاهده و تحلیل میباشد. به وسیله علم میتوان موجودات جهان را استدلالی دسته بندی، و قوانین و روابط حاکم در بین آن ها را شناسایی کرد. که نتیجه آن ساده شدن انجام کارها و شناخت پدیده هاست. بوسیله علم میتوان در مورد جهان مادی قضاوت کرد که چگونه هست و چه صفاتی دارد. هر دانشمندی بنابر اطلاعات زمان خود و تحقیقات اش نظریه های داده که تا زمان بطلانش، مورد استفاده بوده است

در تعریف کوتاه دیگری از عالم میآییم که: هیچ بنده ای عالم نباشد تا اینکه به بالا دست خود حسد نبرد و زیر دست خود را خوار نشمارد.

اما این تعریف در افغانستان برعکس است: (عالمان ربانی؟) با رشک و حسد بخاطر قدرت و مقام چه جنایات که نکردند و انجام نمیدهند، بفرمان بیگانگان برای بدست آوردن پول چه ستم که بر مردم تحمیل نکردند و نمی کنند، چه کشتار فجیع و شنیع را که انجام ندادند، و هنوز خون ملت را میریزند، و زیر دستان را خاک و خاکستر میسازند. آبرو و عزت مردم برباد میگردد ولی هیچ باز خواست صورت نمیگیرد چونکه (قانون اساسی) افغانستان فقط در روی صفحه کاغذ قرار گرفته و بس. چه بسا انسانهای بیگناه و بی دفاع که نه تنها در جنگ روان کنونی بل در اثر حوادث طبیعی جان شانرا از دست میدهند! در عوض تریلیونها دالر و یورو غارت میگردد و در اروپا امریکا و دبی جایداد خریده میگردد.

با چه شرمساری ها تکرار و مکرر به دوشیزه گان جوان و نوجوان معصوم تجاوز میکنند! و هیچ صدای از گوشه و کنار افغانستان و مدافعان؟ حقوق انسان بلند نمی گردد؟

عده زیادی درنده خویان شیطان صفت چه شکنجه های وحشتناک و وحشیانه که بر زنان جامعه دردآلود افغانستان تحمیل می کنند که همه و همه از داشتن حکومت (اسلامی؟) عالم دین و تشنگان قدرت است که رشک و حسد در خون رگهای شان دویده و جامعه و مردم را بسوب نابودی و فنا کشانیده است.

— دانشمندی که از علمش سود برند، از هفتاد هزار عابد بهتر است. اما از هر عمل و رفتار پروفیسوران؟ و عالمان دین؟ در افغانستان هفتاد هزار شیطان بمیان میآید، و برای نافذ نمودن قوانین زن ستیزی قویتر میگردند.

طور مثال: نوروز فرازمند که مظهر بزرگداشت از زندگی، طبیعت و ارزشهای سترگ انسانی است، نورز که آغاز سازندگی و بالندگی انسان و طبیعت است و گره محکم بر اراده انسان بر نو سازی و نو پروری و شگوفایی طبیعت است، نوروز که در قرآنکریم در آیه 114 سوره مایده در مورد آن اشاره شده که: عیسی بن مریم گفت: بارالها! برای ما از آسمان ماندهای بفرست تا این روز برای ما و کسانی که پس از ما می آیند، عید باشد که تو بهترین روزی دهنده گاتی و آیت و حجتی از جانب تو برای ما باشد. (مایده طبق و خوانی است که در آن طعام باشد). اما از جانب عده ملا های مسلمان که از فرآن آگاهی ندارند طی طریق نوروز را اعمال کفار و تجلیل از این جشن انسانی و با عظمت را کفر مطلق اعلان نموده اند. همین است که عالم؟ ما بسود پاکستان ایران و شیخ نشین های اعراب جنایت پیشه سعودی و دبی رفتار میکنند.

یا در مثال دیگر: در پارلمان افغانستان عده بی شمار جنایتکار جنگی بر کرسی ها لم داده اند و ماهانه کسبه ها را با مبالغ هنگفت دالر امریکایی پر میکنند در حالیکه همه مسلسل دیده اند که در(جلسه؟) علنی مجلس، اعضای (فعال! و با دانش!) آن یا در خواب غرق هستند و یا اخبار مطالعه دارند، و سرنوشت ملت را رقم میزنند.



وکلاي پارلمان (خانه ملت!)

در اصل گفتار بر گردم که:

(اعلامیه شورای علمای افغانستان است)



مولوی قیام الدین کشاف نطق شورای علمای افغانستان

با همچو اشخاص کشاف که با ذهن فرسوده و افکار پوسیده (خوب و عالی!) کشف میکند، انشاله راهی بسوی خوشبختی برای افغانستان باز میگردد!!!

در سخنان گهربار سید جمال الدین افغان حکیم و دانشمند میابیم که فرموده اند: چشم انسان کور باشد بهتر است از اینکه بینش و طرز فکر او کور گردد.

ولی در (خانه ملت) و حکومت ما طرز بینش و فکر که اصلاً وجود ندارد در عوض ایکاش کور میبودند بهتر بود تا ملت و وطن ما از شر شان نابود و خاکستر نمی شد، اینان هیچ کمبود در مقایسه با طالبان ندارند.

شورای علمای افغانستان روز جمعه، ۱۲ حوت سال گذشته سوم مارچ سال روان ۲۰۱۲ م در مورد تفکیک جنسیتی در محلات آموزشی و دفاتر بر جدایی دختران و زنان در محلات کار و تحصیل و همچنین اجتناب از سفر بدون محرم شرعی اعلامیه‌ای کرده اند.

اعضای شورای علما در دیداری با حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان این اعلامیه خود را به او ارائه کردند و آقای کرزی آن را در این دیدار "جامع" خواند و بر "مدیریت، دانش و حراست" علما در مورد مسائل دینی تاکید کرد. موارد اصلی که شورای علما در این قطعنامه بر آنها به عنوان بخشی از "وجایب و مکلفیت‌های" زنان و دختران تاکید کرده، اجتناب آنها از "اختلاط با مردان بیگانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، مانند تحصیل، بازار، دفاتر و سایر شئون زندگی" و همچنین "اجتناب از سفر بدون محرم شرعی" است. حامد کرزی بدون درنگ مهر تأیید به این یاهو سرایی ها زد و شاید یکی از دلایل بسیار مهم نزد ریس جمهور، همانا جلب گروه عقب‌گرای طالبان بوده است، در حالیکه طالبان خواسته‌های دیگری دارند تا به این مسأله اهمیت دهند و الا اینبار اگر باز هم افغانستان بدبخت گردد و پاکستانی‌ها زمام حکومت را در کابل بدست گیرند، خود میدانند که همچو گذشته با زنان چگونه برخورد کنند که اینبار حتی نفس کشیدن برای زنان افغان دشوار خواهد شد. یک‌ده محدود از اعضای پارلمان ترسنده و لرزنده خشم خود را در ضدیت با اعلامیه شورای علما ابراز نمودند و آنهم به دلیل اینکه در دوره‌های بعدی انتخابات شانس رأی بیشتر را از دست ندهند.

و اما.....

معيار آزادى زن ، معيار آزادى جامعه است.

گویند زن را محترم نمی‌شمارد مگر مرد کریم، و او را خوار نمی‌شمارد مگر مرد لنیم

در حاکمیت اسلامی! و قومی بر مردم افغانستان و با عقاید پوسیده و فرسوده‌ی مذهبی، زن همچنان به گونه پنهان، تحقیر و توهین، برده‌ی مرد و اسیر دردایره باورهای مرد سالارانه ناشی از جهل و نادانی، قوانین و سنت‌های خرافی، زنان افغان محروم از آزادی و حقوق فردی اجتماعی هستند. در جمهوری اسلامی مرد سالاری، تفنگ سالاری و قوم سالاری افغانستان و از خیر و برکت همین حکومت با پلیدترین ترین افکار، ستم و ندادن حقوق برای زنان در وضعیت خشن تری ادامه دارد. پس از گذشت یک دهه از نظام حاضر در افغانستان وضع زنان همچنان رقتبار است. فقر، جنگ، فحشا و بهم آمیخته شدن با افکار مرد سالاری، زنان در افغانستان جان شانرا مظلومانه از دست میدهند، عدم امنیت، بیکاری گسترده روز افزون، عدم دسترسی به کوچکترین و ابتدایی‌ترین امکانات زندگی، درمان و تحصیل و کشمکش‌های خونین، بیشتر از همه کودکان و زنان قربانی میدهند. تهی دستی و جنگ از یک جانب و زن ستیزی از جانب دیگر آسیب و زخمهای ناسوریست که به نصف از مردم جامعه افغانستان وارد آورده که نتیجه آن تن فروشی، خود را به آتش کشیدن، خود کشی، دراز نمودن دست طمع یا گدایی، قتل‌های زنجیره‌ای ناموسی، و ازدیاد خشونت در حریم کار و خانواده، خرید و فروش و تبادل زنان و دختران مثل جنس، به عنوان متاع و مایه عده زیادی مردان زن ستیز یا آدمفروشان قرن است.

امروزه در حکومت نام نهاد اسلامی افغانستان ازدواج‌های اجباری در مورد زنان صورت میگیرد. کهنه‌ترین اداب و رسوم و سنتهای ارتجاعی قبیله‌ای هزاران زن افغان را در چهار دیواری خانواده و جامعه به اسارت و بردگی کشانیده است و این سلسله متأسفانه ادامه دارد، مقررات و قوانین خود ساخته و خود بافته ارتجاعی هیچ نوع حقی برای زنان قایل نیست، در روابط و مناسبات خانوادگی، زن حق طلاق یک جانبه از مرد را ندارد، اما زن ستیزان متحجر حق دارند چند زن را اختیار کنند. زن اگر از خانه بیرون رانده شد پناهی ندارد، و بدون خانه و کاشانه خواهد ماند، زن حق حضانت فرزندان را ندارد، اگر طلاق داده شود هیچگونه اختیاری در ارتباط به فرزندان ندارد، زن در انتخاب شریک زندگی یا شوهر آینده اش آزاد نیست، زن حق قضاوت و تصمیم را ندارد، هر آنچه را که قوانین و مقررات جامعه مرد سالاری بوی واگذار میکند باید و شاید و بدون دلیل بپذیرد، زن را باید بزییر چادر و چادری نگهداری کرد. (این است دست آوردهای نظام اسلامی و دیموکراسی حاضر در افغانستان.)

و اما... در چند اشاره کوتاه : از جمع موارد غم انگیز تر از غم، که دل سنگ را به حالش بگریه آورد یکی آن قضیه پریگل چهارده ساله، در ولایت بغلان در ماه دسمبر سال گذشته میلادی بود که بشکل بسیار و بی نهایت فجیع توسط شخص لاشخور و حیوان صفت، پریگل نوجوان را که گل از جمال معصومیت است به حالت نزع رسانیده بود.

آیا؟ کدام خانم نماینده مجلس نمایندگان افغانستان (حامیان صلح حق و حقیقت؟) به رسم اعتراض در مقابل اعمال زن ستیزان سنگ دل، بی رحم و جانی جلسه را ترک کرده است؟ یا حد اقل صدایش را بلند کرده فریاد نموده باشد که چرا زنان افغان باید بیشترین رنج را بر دوش بکشند؟ بدون تردید که نمی خواهند که جاه و مقام و دکانداری خود را از دست بدهند، سرداران شان خشن گردند و از وکالت مستعفی گردند.

آیا؟ ریس و مجمع عمومی (دفاع؟) از حقوق زنان در اعتراض به وضعیت دلخراش و تکان دهنده زن افغان تظاهرات صلح آمیز و انسانی را براه انداختند؟

آیا از اطراف و اکناف افغانستان در ارتباط به وضعیت بسیار دردآلود زنان اعتراضی بلند می گردید؟

آیا؟ از جمع عده بیشمار زنان که در پارلمان راه یافته اند به حمایت و دفاع از همنوع شان شکایت رسمی را به دفتر ریاست جمهوری فرستاده اند؟ که چرا و برای چه هر روز زن نابود گردد؟

تمام این پرسشها پاسخ (خیر) دارد و اما گفته های شان اینست که: **(ما از جانب جامعه مدنی افغانستان!! ریاست امور زنان !! وووو خشونت را تقبیح میکنیم !!!!!)**

ولی برعکس چه میکنند:

در چندین بار و مکرر که تکرار آن هر روز هم ممکن است، در گزارشات خجالت زده و رسوای که یکی آن در ششم جولای سال پار 2011 م در داخل ساختمان پارلمان افغانستان رخداد و تمام دنیا مجلس نمایندگان (دیوانگان) را تماشا نمودند که با بوت بر سر همدیگر میزنند و به اصطلاح عام همدیگر را مو کنک می نمودند آیا وکیلی بطور جدی در برابر این صحنه های خجالت آور اعتراض رسمی نمود؟ که آبروزی تا چند؟ و... جالب تر اینکه پس از این رویداد (دلپذیر!) حامد کرزی (ریس صاحب جمهور) در سخنش که از طریق رسانه های دیداری پخش گردید گفت که: (این تنش ها نتیجه رشد دیموکراسی نوجوان است؟) پس به گفته عوام (خیر و خیریت است هیچ گپی نیست)، هر روز مشکلی بر مشکلات افزوده میشود و نادیده پنداشته میشود.

مانند جنگهای حرام تنظیمی دهه هفتاد شهر کابل که بعد از روز ها کشتار های بسیار فجیع و بیرحمانه و به آتش کشیدن ها، شرمسارانه از رادیو کابل اعلان مینمودند که (در اثر سوء تفاهم جنگ صورت گرفت؟ فعلاً اوضاع آرام است! فردا به وظایف تان بر گردید!!!!).

اینست آبروی سران حکومت فعلی که در تمامی جنگها قصداً دخیل بودند و شهر دلفریب کابل را به ویرانه مبدل نمودند و بر سر خاکستر فقر نشانند که تا امروز زخمهای ناسور آن بر پیکره ی معصوم شهر کابل بدرستی هویداست.

اینست امنیت! عدالت سازی انسانی، حقوقی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و فرهنگی، حکومت و (خانه ملت؟) ما در حال حاضر برای ملت افغان و جامعه افغانستان.

همین قدر رنجهای فراوان برای زن در جامعه قبیله سالاری و مرد سالاری افغانستان کافیت که قوانین (شورای عالمان ربانی افغانستان) این کور دلان سیه ذهن، خود بین و خود پرست، زن افغان را بیشتر در انزوا، و چهار دیواری خانه ها و بدبختی ها سوق میدهند. بس کنید! ملایان (پاکیزه سرشت؟)



سید احمد ضیا نوری
گٹنبرگ، سویدن
مارچ 2012 م